

رابطه سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با افسردگی دانش آموزان مقطع ابتدایی

شهر خرمشهر

زینب فرحانی (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز، ایران.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر رابطه بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با افسردگی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر خرمشهر بود. جامعه آماری پژوهش حاضر از تمام دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر خرمشهر که تعداد ۱۹۸۹ نفر بود، تشکیل شد که طبق جدول نمونه گیری کرسی و مورگان تعداد ۲۳۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی کولینز و رید، شیوه‌های فرزندپروری بامریند و افسردگی کودکان ماریا کواس استفاده گردید. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود و از روش ضریب همبستگی خطی ساده و رگرسیون چندمتغیری استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد: بین سبک دلبستگی ایمن با افسردگی دانش آموزان رابطه وجود داشت. بین سبک دلبستگی اجتنابی با افسردگی دانش آموزان رابطه وجود داشت. بین سبک دلبستگی دوسوگرا با افسردگی دانش آموزان رابطه وجود داشت. بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با افسردگی دانش آموزان رابطه وجود داشت. بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با افسردگی دانش آموزان رابطه وجود داشت. بین شیوه فرزندپروری مستبدانه با افسردگی دانش آموزان رابطه وجود داشت. بین سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) با افسردگی دانش آموزان رابطه چندگانه وجود داشت.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، شیوه‌های فرزندپروری، افسردگی.

ویرایش نهایی: تیر ۱۴۰۳

پذیرش: تیر ۱۴۰۳

دریافت: ۲۵ خرداد ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

افسردگی^۱ یک بیماری روانی است که باعث احساس غم و ناراحتی مداوم و از دست‌دادن علاقه می‌شود. اکثر افراد بعضی از مواقع احساس ناراحتی، افسردگی و غم می‌نمایند، احساس افسرده و غمگین بودن واکنشی طبیعی بدن به مشکلات زندگی و از دست‌دادن چیزها و کسانی که به آنها علاقه داریم، می‌باشد. اما زمانی که این احساس غم و اندوه شدید، بی‌امیدی، بی‌چارگی و بی‌ارزشی بیشتر از چند روز یا چند هفته طول بکشد، شما دچار بیماری افسردگی شده‌اید.

سیستمی تنظیم‌کننده در درون فرد وجود دارد که هدف آن تنظیم رفتارهایی است که موجب نزدیک شدن و برقراری تماس با فردی متمایز و حامی است که تکیه‌گاه نامیده می‌شود. البته هدف این سیستم در فرد وابسته، از لحاظ روانی معطوف به ایجاد احساس

^۱. depression

امنیت است. در حقیقت دلبستگی^۱ میان مادر و کودک مانند بندی نامرئی این دو را به هم وصل می‌کند. طبق پژوهش‌های انجام گرفته می‌توان بیان نمود که بین کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی رابطه معنادار مشاهده شده است و کیفیت دلبستگی پیش‌بینی کننده‌ی خوبی برای هوش هیجانی. کسانی که از دلبستگی ایمن^۲ برخوردارند در ارتباطات بین فردی از همدلی برخوردارند و کسانی که از دلبستگی نایمن^۳ برخوردارند دچار ذهنی آشفته و ناتوانی هیجانی هستند (حکیم جوادى و اژه‌ای، ۱۳۸۳).

رابطه‌ی والدین با فرزندان یا شیوه‌های فرزندپروری^۴، در گذر از اعمالی است که اهداف گوناگونی را در بر دارد. تربیت اخلاقی و روانی، شناسائی، رشد و پیشرفت استعدادهای فرزندان، آموزش مهارت‌ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه از دید والدین، از جمله این اهداف می‌باشند. «پارسنز نیز دو کارکرد اساسی یعنی اجتماعی کردن و شکوفایی شخصیت فرزند را برای خانواده در نظر می‌گیرد» (اعزازى، ۱۳۷۶). این گونه اهداف والدین که شامل تمام فعالیت‌ها و اعمالی می‌شود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ارتباط آنها را با فرزندان در رفتارهای روزمره نشان می‌دهد، هسته‌ی اصلی این مقاله بوده که تحت عنوان فرزند پروری یا رابطه‌ی آموزشی مطرح می‌باشد. این فعالیت‌ها بر طبق نظریه عمل بوردیو جامعه‌شناس معاصر فرانسوی (بوردیو، ۱۹۸۹) توسط نیروهای هدایت و یا کنترل می‌شوند، که این نیروها به صورت یکسان و به یک اندازه نزد انسانها از جمله والدین وجود ندارد. این نیروها در ارتباط با وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خانواده می‌باشند. همچنین تصوراتی که والدین از فرزندان خود دارند، تاثیر بر روی چگونگی نوع روابط یعنی شیوه‌های فرزند پروری نیز دارند (منادی، ۱۳۷۸).

سایکوجیو^۵ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با افسردگی در نوجوانان رابطه معنادار وجود داشت. رابطه‌ی والدین با فرزندان یا شیوه‌های فرزندپروری، در گذر از اعمالی است که اهداف گوناگونی را در بر دارد. تربیت اخلاقی و روانی، شناسائی، رشد و پیشرفت استعدادهای فرزندان، آموزش مهارت‌ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه از دید والدین، از جمله این اهداف می‌باشند. «پارسنز نیز دو کارکرد اساسی یعنی اجتماعی کردن و شکوفایی شخصیت فرزند را برای خانواده در نظر می‌گیرد» (اعزازى، ۱۳۷۶). «بامریند^۶» در زمینه‌ی شیوه‌ی فرزندپروری تحقیقات گسترده‌ای انجام داده و نشان داده است که شیوه‌ی فرزندپروری والدین دو بُعد گرمی و کنترل دارد. بامریند بر اساس تحقیقاتش سه شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، سهل‌گیرانه و مقتدرانه را تشخیص داد که در شیوه مستبدانه (کنترل زیاد، محبت کم)، والدین قدرت زیادی داشته و بر کنترل کودک و حرف شنوی وی تأکید دارند و اغلب اختیارات کودک را محدود کرده و رفتار مناسب را برای وی تعیین می‌کنند. معمولاً والدین خواستار تبعیت بدون پرسش کودکان هستند. چرا که معتقدند سخت‌گیری نسبت به فرزندان بهترین روش تربیتی است و باعث موفقیت آنان در آینده است. در این شیوه‌ی فرزندپروری، کودک در صورت اظهار نظر در هر موردی، تنبیه شده و در واقع هیچ حقی برای بیان نظرات خود ندارد. ابراز محبت در این شیوه بسیار کم است و والدین هم دلی و هم دردی کمی نسبت به فرزندان خود ابراز می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که شیوه‌ی فرزند پروری مستبدانه باعث عزت نفس پایین و کاهش شادمانی فرزندان شده و هم چنین باعث افزایش اضطراب آنها می‌شود. همچنین در شیوه سهل‌گیرانه (کنترل کم، محبت زیاد)، والدین سهل‌گیر کنترل کم تری بر کودکان خود اعمال می‌کنند و به ندرت به کودکان خود اطلاعات صحیح یا توضیحات دقیق ارائه می‌دهند و در برابر بهانه جویی و شکایت کودک تسلیم می‌شوند. والدین سهل‌گیر اجازه می‌دهند که فرزندانشان طبق میل خود با کمترین نظم و انضباطی رفتار کنند. هیچ نظارتی بر اعمال او ندارند و کودک برای خود تصمیمات زیادی می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه باعث می‌شود کودکان نافرمانی و سرکشی کرده و پرتوقع شوند. هم چنین وابسته بار بیابند و عملکرد ضعیفی در مدرسه از خود نشان دهند. این کودکان دارای اعتماد به نفس پایینی هستند و رفتارهای بزهکارانه از خود نشان می‌دهند. مطالعات زیادی نشان می‌دهد که حمایت کم والدین از کودکان، خطر افسردگی آنها را افزایش می‌دهد. در شیوه مقتدرانه (کنترل زیاد، محبت زیاد) نیز، والدینی که این سبک را به

1. attachment

2. secure attachment

3. insecure attachment

4. parenting style

5. Bourdieu

6. Psychogiou

7. Baumrind

کار می‌برند توجه خوبی به فرزند خود نشان می‌دهند این والدین در ابراز محبت و مهربانی به کودک کوتاهی نمی‌کنند و به علایق فردی و ویژگی‌های خاص کودک خود نیز آگاهی دارند. هم‌چنین علاقه مند به صحبت کردن و راهنمایی فرزندان خود هستند و در موقع مناسب به کودک اجازه اظهار نظر می‌دهند. در این شیوه‌ی فرزند پروری، کنترل مناسب و محبت به کودک کافی است. کودکان این والدین سرزنده و شاداب و دارای عزت نفس بالا هستند. محققان به این نتیجه رسیده‌اند، دانش‌آموزانی که والدین با اقتدار دارند در مدرسه بهتر از دانش‌آموزانی هستند که والدین آنها پیرو شیوه‌های دیگر فرزند پروری هستند (احمدی دارانی، ۱۳۹۲).

داوری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و افسردگی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه نشان داد که بین متغیر سبک‌های دلبستگی و اضطراب رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک‌های دلبستگی با افسردگی در نوجوانان رابطه معنادار وجود داشت. جهانگیری (۱۳۹۵) در تح‌نشان داد که بین سبک دلبستگی و افسردگی دختران همبستگی وجود داشت. با افزایش سبک دلبستگی ایمن، افسردگی کاهش می‌یابد. در نتیجه رابطه معنادار بین سبک دلبستگی ایمن و افسردگی دختران وجود داشت و همچنین نوع سبک دلبستگی توانست پیش‌بینی‌کننده میزان افسردگی در دانش‌آموزان باشد. حمیدی و دهقانی چم‌پیری (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد افسردگی را به طور چشمگیری کاهش داده و به طور معناداری باعث بهبود شیوه‌های فرزندپروری در ابعاد فرزندپروری مثبت، تنبیه بدنی و درگیری شده است. لازم به ذکر است واژه درگیری در این پژوهش به معنای مشارکت فرزندان در امور خانواده است. این مطالعه نشان داد که درمان پذیرش و تعهد باعث کاهش چشمگیری بر روی نشانه‌های افسردگی و تاثیرات مثبت در شیوه‌های فرزندپروری زنان مبتلا به اختلال افسردگی گردید. مرادی سیاه‌افشادی، امیری و مولوی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که بین افسردگی و دلبستگی رابطه معنادار وجود داشت. با توجه به برآزش خوب مدل و معنی‌داری ضرایب معادله نقش واسطه‌ی بازشناسی هیجانی چهره در تاثیر سبک دلبستگی بر افسردگی به خوبی محرز بود. این در حالی است که سبک دلبستگی نیز به طور مستقیم روی افسردگی تاثیر داشت. حاجلو، پرزور و آقاخانی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی و فرزندپروری مستبدانه رابطه مثبت معنی‌داری با افسردگی داشت. بین سبک فرزندپروری آزادگذار و افسردگی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین فقط سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین توانست ۰/۲۸- درصد از واریانس افسردگی فرزندان را به طوری معنی‌داری پیش‌بینی نماید. مولایی‌ورده، پیرفلک و مولایی‌ورده (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که بین سبک فرزندپروری مستبدانه و افسردگی رابطه مثبت و بین سبک مقتدرانه، منبع کنترل با افسردگی رابطه منفی وجود داشت و همچنین تحلیل رگرسیون نیز نشان دادند که سبک مقتدرانه و منبع کنترل توان پیش‌بینی افسردگی را داشتند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان در چهره‌تازهای در پژوهش‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری، منبع کنترل والدین و دانشجویان افسرده‌گشود و با تاکید بر نقش خانواده و نحوه‌ی برخورد با فرزندان می‌توان تا حدودی مانع افسردگی یا حل این مشکل در بین دانشجویان شد.

سایکوجیو و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی نشان دادند که بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با افسردگی در نوجوانان رابطه معنادار وجود داشت. همچنین مولفه‌های شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌توانند افسردگی نوجوانان را پیش‌بینی نمود. ژانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی نشان دادند که بین شیوه‌های فرزندپروری با افسردگی نوجوانان رابطه وجود داشت. بین انعطاف‌پذیری با افسردگی نوجوانان رابطه وجود داشت. همچنین، بین سلامت روانی با افسردگی نوجوانان رابطه وجود داشت. برنکر^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی نشان دادند که سبک دلبستگی به عنوان یک تعدیل‌نمود در اثر شناختی- روان‌درمانی رفتاری و بین فردی برای افسردگی شناخته شده است و همچنین بین سبک دلبستگی با افسردگی رابطه معنادار وجود داشت. گرت^۳ و کوین^۴ (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که والدین سنتی کمتر با نشانه‌های افسردگی در ارتباط بودند و داشتن یک فرزند با نشانه‌های افسردگی بالاتر همراه بود، صرف نظر از وضعیت مسکونی که فرزند داشته است. علاوه بر این، ترکیب خاصی از نقش والدین یک عامل خطر برای نشانه‌های افسردگی، از جمله داشتن یک کودک بیولوژیکی ساکن در خانه و دیگری فرزند بیولوژیکی ساکن در خارج از خانه به طور همزمان، یک کودک بیولوژیکی و فرزند خوانده ساکن با هم (با یا بدون یک کودک بیولوژیکی جدید) و با داشتن بیش از دو نقش والدین ترکیبی به طور کلی

1. Zhonget

2. Bernecker

3. Garrett

4. Kevin

رابطه سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با افسردگی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر خرمشهر

رابطه وجود داشت. به عبارت دیگر بین شیوه‌های فرزندپروری با افسردگی کودکان رابطه‌ی معنادار وجود دارد. پریسپوتو (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان داد که بینسبک اجتنابی دلبستگی و نشانه‌های افسردگی و علائم اضطراب از نظر آماری رابطه معنی‌دار وجود داشت. همچنین بینسبک‌های دلبستگی آشفته و علائم افسردگی رابطه معنادار وجود داشت. ویلسون^۱ و دوربین^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که بین افسردگی کودکان و شیوه‌های فرزندپروری پدران رابطه‌ی معنادار وجود داشت. همچنین شیوه فرزندپروری مستبدانه، مقدرانه و آسان‌گیر توانست افسردگی را در نوجوانان پیش‌بینی نمود.

با توجه به موارد گفته شده در بالا، هدف پژوهش حاضر بررسی این پرسش است که آیا بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با افسردگی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر خرمشهر رابطه وجود دارد؟

روش

پژوهش به صورت توصیفی- رابطه‌ای (همبستگی) انجام شده است. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر خرمشهر است که به عنوان نمونه با استفاده از جدول کرسی و مورگان تعداد نمونه‌ی اصلی را به دست می‌آوریم و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (به دلیل انتخاب نمونه از بین دختران و پسران) نمونه آماری پژوهش حاضر را انتخاب نمودیم. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر خرمشهر تشکیل دادند که بر اساس گزارش حجم آن برابر با ۱۹۸۹ نفر بود. روش تعیین برآورد حجم نمونه آماری استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود که ابتدا از ۹ مدرسه ۴ مدرسه و از هر مدرسه ۲ کلاس که تعداد ۲۳۰ نفر به دست آمد و بدین سان تعداد ۲۳۰ پرسشنامه بین دانش آموزان دختر و پسر کلاس ششم ابتدایی شهر خرمشهر توزیع گردید. در این پژوهش از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری پاسخ‌های دانش آموزان استفاده شد. در این پژوهش، پرسش‌نامه سوالات با استفاده از مقیاس‌های اسمی و ترتیبی اندازه‌گیری شد.

الف. پرسشنامه افسردگی کودکان ماریا کواس: CDI یک ابزار خود گزارشی ۲۷ آیتمی است که جهت ارزیابی نشانه‌های افسردگی در کودکان و نوجوانان استفاده می‌شود. آیتم‌های این پرسشنامه که از پرسشنامه افسردگی بک برگرفته شده است هر نشانه‌ای را که می‌تواند مختص افسردگی دوره کودکی باشد ارزیابی می‌کند: به عنوان مثال خلق پایین، خود ارزیابی ضعیف و مشکلات بین فردی. CDI شامل ۵ خرده مقیاس می‌باشد که عبارتند از: خلق منفی، مشکلات بین فردی، احساس بی‌په‌ودگی، فقدان احساس لذت و عزت نفس پایین. ۱۴ سوال از این ۲۷ سوال به صورت مستقیم (۱، ۳، ۴، ۶، ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷) و ۱۳ سوال به صورت معکوس (۲، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۵) نمره گذاری می‌شود. طریقه نمره گذاری برای سوالات مستقیم (پاسخ الف: ۰، پاسخ ب: ۱، پاسخ ج: ۲) و طریقه نمره گذاری برای سوالات معکوس (پاسخ الف: ۲، پاسخ ب: ۱، پاسخ ج: ۰) می‌باشد. خرده مقیاس‌های این پرسشنامه عبارتند از: خلق افسرده (۱۳، ۱۱، ۱۰، ۱۱، ۱۰، ۸، ۶، ۱)، احساس بی‌په‌ودگی (۲۷، ۲۶، ۱۲، ۵)، مشکلات بین فردی (۲۴، ۲۳، ۱۵، ۳)، احساس عدم لذت (۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۴)، عزت نفس منفی (۲۵، ۱۴، ۹، ۷، ۲). نمره ۰ تا ۸: سالم؛ نمره ۹ تا ۱۹: آستانه افسردگی؛ نمره ۲۰ به بالا: برجسب افسردگی می‌باشد. مطالعات نشان دهنده مشخصات روان‌سنجی خوب برای CDI است. همسانی درونی بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۶ است. اعتبار همزمان و افتراقی نیز مناسب گزارش شده است (حاجلو و همکاران، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر، پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

ب. پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کودکان کولینز و رید: پرسشنامه دلبستگی کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ بر اساس نظریه هازان و شاور پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید است تهیه کردند. این پرسشنامه در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۵ آیتم کاهش یافت. این پرسشنامه سه زیر مقیاس دارد که عبارتند از: سبک اضطرابی (A) که با سبک دلبستگی دوسوگرا (Ambivalent Attachment Style) مطابقت دارد. سبک نزدیک بودن (C) که با سبک دلبستگی ایمن (Secure Attachment Style) مطابقت دارد. سبک وابستگی (D) که تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی (Avoidant Attachment Style) است. نمره گذاری پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (RAAS) به این صورت است که ابتدا به هر سوال که در طیف لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم قرار دارد نمره ۰ تا ۴ می‌دهیم. سپس زیرمقیاس‌های پرسشنامه به ترتیب زیر به دست می‌آید: سبک اضطرابی (A): سوالات ۳-۴-۹-۲۰-۲۲-۱۵

1. Wilson

2. Durbin

در پرسشنامه، سبک نزدیک بودن (C): سوالات ۱-۶-۸-۱۲-۱۳-۱۷ در پرسشنامه، سبک وابستگی (D): سوالات ۲-۵-۷-۱۴-۱۶-۱۸ در پرسشنامه. این سوالات وارونه نمره گذاری می‌شوند: ۵-۱۶-۱۸-۶-۸-۱۷. کولینز و رید پایایی این پرسشنامه را بالای ۰/۸۰ به دست آوردند. همچنین طلاییان و وازپور در سال ۱۳۸۲ با استفاده از روش آزمون مجدد نشان داد که این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است. روایی صوری پرسشنامه مورد تایید اساتید و مشاور آماری قرار گرفت (طلاییان و وازپور، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر، پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای مولفه سبک دلبستگی ایمن ۰/۸۸، سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۷۹ و سبک دلبستگی اضطرابی ۰/۸۹ به دست آمد.

ج. پرسشنامه فرزندپروری بامریند: این پرسشنامه که دایانا بامریند آن را در سال ۱۹۷۲ ساخته است، دارای ۳۰ پرسش است که به صورت طیف لیکرت (۴ «کاملاً موافقم»-۳ «موافقم»-۲ «تقریباً مخالفم»-۱ «مخالفم»-۰ «کاملاً مخالفم») نمره گذاری می‌شود. هر ۱۰ سؤال از پرسش نامه یک سبک فرزندپروری را می‌سنجد. این پرسشنامه ۳ سبک را می‌سنجد (شیوه فرزند پروری آسان گیر، مستبدانه و مقتدرانه). جمع نمرات عبارات مربوط به هر شیوهیک نمره بین ۰ تا ۴ برای هر سطح شیوه های فرزند پروری به دست می‌آید. به عبارت دیگر هر والد در این پرسشنامه دارای سه نمره مجزا می‌باشد. دانش و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از آلفای کرونباخ برای سبک آسان گیرانه ۰/۷۶، سبک مستبدانه ۰/۷۹ و سبک مقتدرانه ۰/۸۴ به دست آوردند. در پژوهش حاضر، پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای سبک آسان گیرانه ۰/۷۹، سبک مستبدانه ۰/۸۱ و سبک مقتدرانه ۰/۸۹ به دست آمد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها در این پژوهش از روش های آماری زیر با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد. الف. روش های آمار توصیفی شامل جدول فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار. ب. آمار استنباطی شامل آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه. ج. روش آلفای کرونباخ جهت محاسبه ضریب پایایی. ضمناً برای کلیه فرضیه ها سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در بخش آمار توصیفی برای بیان روشن‌تر یافته‌های پژوهش از جداول و نمودار استفاده گردیده است. پس از آن در بخش دوم این فصل، با استفاده از روش های آمار استنباطی، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره در متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
مولفه های	مولفه دلبستگی ایمن	۷۱/۲۵	۴/۳۲	۴	۲۴
سبک های	مولفه دلبستگی اجتنابی	۶۵/۴۲	۵/۱۸	۴	۲۴
دلبستگی	مولفه دلبستگی دوسوگرا	۷۳/۲۲	۵/۱۲	۴	۲۴
مولفه های	شیوه فرزندپروری مقتدرانه	۸۱/۴۶	۶/۴۸	۱۰	۴۰
شیوه های	شیوه فرزندپروری سهل گیرانه	۷۶/۲۲	۵/۴۶	۵	۳۵
فرزندپروری	شیوه فرزندپروری مستبدانه	۷۹/۸۱	۶/۲۸	۱۵	۴۰
	افسردگی	۲۹/۵۴	۱/۰۲۲	۲۴	۵۴

با توجه به جدول ۱، که میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره در کل دانش آموزان را مشخص کرده است، میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره مولفه دلبستگی ایمن در سبک های دلبستگی به ترتیب ۷۱/۲۵، ۴/۳۲، ۴ و ۲۴ است، میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره مولفه دلبستگی اجتنابی در سبک های دلبستگی به ترتیب ۶۵/۴۲، ۵/۱۸، ۴ و ۲۴ است، میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره مولفه دلبستگی دوسوگرا در سبک های دلبستگی به ترتیب ۷۳/۲۲، ۵/۱۲، ۴ و ۲۴ است، میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره مولفه شیوه های فرزندپروری مقتدرانه در شیوه های فرزندپروری به ترتیب ۸۱/۴۶، ۶/۴۸، ۱۰ و ۴۰ است، میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره مولفه شیوه های فرزندپروری سهل گیرانه در

رابطه سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با افسردگی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر خرمشهر

شیوه‌های فرزندپروری به ترتیب ۰/۷۶/۲۲، ۵/۴۶ و ۳۵ است، میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره مولفه شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه در شیوه‌های فرزندپروری به ترتیب ۰/۷۹/۸۱، ۶/۲۸، ۱۵ و ۴۰ است، میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره کلی افسردگی به ترتیب ۰/۲۹/۵۴، ۱/۰۲۲، ۲۴ و ۵۴ است. بیانگر این است که میانگین شیوه‌های فرزندپروری بیشتر از دیگر متغیرها است.

فرضیه تحقیق: بین سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) با افسردگی دانش آموزان رابطه چندگانه وجود دارد.

جدول ۲: خلاصه رگرسیون

اشتباه استاندارد برآورد	ضریب تعدیل شده	R ² مجذور ضریب همبستگی	R ضریب همبستگی
۶/۲۵۶	۰/۴۰۱	۰/۰۳۹	۰/۱۹۸

ادامه جدول ۲: تحلیل واریانس رگرسیون

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	تحلیل واریانس F	سطح معنی داری
رگرسیون	۰/۴۵۲	۶	۰/۰۷۵		
باقی مانده	۳۵/۷۵۲	۲۲۳	۰/۱۶۰	۰/۴۶۹	۰/۰۳۱
کل	۳۶/۲۰۴	۲۲۹			

با توجه به جدول خلاصه تحلیل رگرسیون می‌توان گفت به دلیل معنادار بودن تفاوت میانگین‌ها می‌توان از رگرسیون استفاده نمود.

ادامه جدول ۲

متغیر	ضریب بتا	ضریب	T	سطح معنی داری	بتا در سطح ۰/۹۵
ثبات	۲/۳۷۲	خطای معیار	۲/۲۷۷	۰/۰۱۷	حداقل
سبک دلبستگی ایمن	۰/۰۴۳	۱/۲۱۲	۱/۲۳۰	۰/۵۶۳	حداکثر
سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۰۲۴	۰/۰۲۷	۰/۲۰۹	۰/۴۵۳	۰/۰۳۲
سبک دلبستگی دوسوگرا	۰/۰۳۸	۰/۰۱۹	۰/۲۰۶	۰/۵۱۲	۰/۰۰۲
شیوه فرزندپروری مقتدرانه	۰/۰۴۰	۰/۰۲۱	۰/۲۶۵	۰/۴۴۲	۰/۰۱۲
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۰۳۱	۰/۰۲۳	۰/۴۲۵	۰/۴۰۳	۰/۰۲۲
شیوه فرزندپروری مستبدانه	۰/۰۳۹	۰/۰۱۹	۰/۳۰۲	۰/۴۰۳	۰/۰۱۰
		۰/۰۲۱	۰/۱۷۲	۰/۳۵۲	۰/۰۱۳

همان طوری که در جدول ۲، مشاهده می‌کنید توان رگرسیون سبک دلبستگی ایمن و شیوه فرزندپروری مقتدرانه که نشان دهنده توان بسیار بالایی است. آن چنان که در جداول نشان داده شده است، نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در کل نمونه با روش همزمان یا ورود یعنی Enter جهت تعیین میزان ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) با افسردگی و مشخص شدن سهم نسبی هر یک از متغیرهای پیش بین در واریانس متغیر ملاک یعنی افسردگی حاکی از آن است که سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) با افسردگی (R = ۰/۱۹۸ و R^۲ = ۰/۰۳۹) رابطه چندگانه وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و شیوه های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه) با افسردگی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر خرمشهر می باشد. فرضیه تحقیق بیان می کند بین سبک های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و شیوه های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه) با افسردگی دانش آموزان رابطه چندگانه وجود دارد. با توجه به جدول خلاصه تحلیل رگرسیون می توان گفت به دلیل معناداربودن تفاوت میانگین ها می توان از رگرسیون استفاده نمود. همان طوری که در جدول (۲) مشاهده می کنید توان رگرسیون سبک دلبستگی ایمن و شیوه فرزندپروری مقتدرانه که نشان دهنده توان بسیار بالایی است. آن چنان که در جداول نشان داده شده است، نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در کل نمونه با روش همزمان یا ورود یعنی Enter جهت تعیین میزان ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی سبک های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و شیوه های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه) با افسردگی و مشخص شدن سهم نسبی هر یک از متغیرهای پیش بین در واریانس متغیر ملاک یعنی افسردگی حاکی از آن است که سبک های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و شیوه های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه) با افسردگی ($MR = 0/198$ و $R^2 = 0/39$) رابطه چندگانه وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهشات داوری (۱۳۹۵)، جهانگیری (۱۳۹۵)، حمیدی و دهقانی چم پیری (۱۳۹۵)، مرادی سیاه افشادی، امیری و مولوی (۱۳۹۴)، حاجلو، پرزور و آقاجانی (۱۳۹۳)، مولایی ورده، پیرفلک و مولایی ورده (۱۳۹۳)، برنکر و همکاران (۲۰۱۶)، سایکوجیو و همکاران (۲۰۱۶)، ژانگ و همکاران (۲۰۱۶)، گرت و کوین (۲۰۱۵)، پریسپوتو (۲۰۱۲) و ویلسون و دوربین (۲۰۱۰) همخوانی دارد. برای تبیین می توان گفت که کودکان و نوجوانانی برای ابتلا به افسردگی آمادگی ذاتی دارند که دارای سابقه خانوادگی مثبت برای اختلالات خلقی، اختلالات اضطرابی و یا اختلالات سوء مصرف مواد باشد. هم چنین خانواده هایی که برای تربیت فرزند خود دچار دوگانگی می شود و نمی دانند کدام شیوه فرزندپروری را به کار ببرند، فرزندان خود را در معرض افسردگی قرار می دهند. محدودیت های پژوهش عبارتند از: اجرای پژوهش در سطح شهر خرمشهر صورت گرفت، لذا نتایج آن قابل تعمیم به سایر شهرهای استان نمی باشد. یکی دیگر از محدودیت های پژوهش حاضر، استفاده از پرسشنامه و محدودیت ابزارهای خود گزارشی است. پیشنهاد های پژوهش عبارتند از: با توجه به نتایجی که از پژوهش حاضر استخراج شد موارد زیر پیشنهاد می شود: نمونه های دیگری با متغیرهای مختلف همچون کیفیت زندگی والدین، رضایت از زندگی با افسردگی دانش آموزان در شهرهای مختلف، با متغیرهایی مثل شادکامی و . . . بررسی گردد. پیشنهاد می شود تا رابطه بین سبک های دلبستگی و افسردگی در زنان و مردان شاغل (پدران و مادران دانش آموزان مقطع ابتدایی) مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به تغییرات روزافزون جامعه و افزایش افراد مبتلا افسردگی بهتر است به دانش آموزان و والدینشان در جهت شناخت بهتر خصوصیات یکدیگر و درک شرایط روحی یکدیگر آموزش داده شود تا افسردگی در این دانش آموزان کاهش یابد. برگزاری کارگاه های آموزش خانواده در مدارس جهت آموزش شیوه فرزندپروری به والدین دانش آموزان.

منابع

- احمدی دارانی، امیر. (۱۳۹۲). چگونه با کودکان دبستانی رفتار کنیم؟. تهران: ورا دانش. چاپ اول.
- اعزازی شهلا. (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- جهانگیری، فهیمه. (۱۳۹۵). رابطه سبک های دلبستگی با افسردگی دانش آموزان دختر ۱۵-۱۱ ساله در مشهد، پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، همایشگران مهر اشراق، نمایه شده در سیویلیکا.
- حاجلو، نادر؛ پرزور، پرویز؛ آقاجانی، سیف الله. (۱۳۹۳). پیش بینی افسردگی فرزندان بر اساس سبک های فرزندپروری والدین، اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده، اهواز، انجمن علمی روانشناسی خانواده ایران، دانشگاه شهید چمران اهواز، نمایه شده در سیویلیکا.

- حمیدی، پروین؛ دهقانی چم پیری، اکرم. (۱۳۹۵). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) بر روی افسردگی و شیوه‌های فرزندپروری زنان متأهل مبتلا به اختلال افسردگی، اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت خدمات برتر، نمایه شده در سیویلیکا.
- حکیم جواد، م؛ اژه‌ای، ج. (۱۳۸۳). بررسی رابطه کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی، نشریه روانشناسی، شماره ۳۰، صص ۲۱-۱۷.
- داوری، داوود. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های دلبستگی با افسردگی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، همایشگران مهر اشراق، نمایه شده در سیویلیکا.
- دانش، علی؛ احمدیان، سالار؛ سخاوت، رحیم؛ آزادی‌خواه، شریفه. (۱۳۹۰). اعتباریابی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند، مجله روان‌شناسی، دوره ۳، شماره ۶، صص ۴۶-۳۸.
- طلاییان، رضوانه؛ وازپور، صغری. (۱۳۸۲). دلبستگی و سلامت روانی در نوجوانی، دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره، نشریه اندیشه خانواده، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۲۱-۱۴.
- مرادی سیاه‌افشادی، محبوبه؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین. (۱۳۹۴). رابطه دلبستگی و افسردگی با توجه به نقش واسطه‌گری باز‌شناسی هیجانی چهره در دختران نوجوان، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلینا، نمایه شده در سیویلیکا.
- منادی، مرتضی. (۱۳۷۸). آموزش و پرورش در آستانه قرن ۲۱، سخنرانی در دومین همایش علم در آستانه قرن ۲۱. توسط مرکز علمی فرهنگی دارالفنون توس، ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۸، مشهد.
- مولایی‌پارده، برزو؛ پیرفلک، مهرداد؛ مولایی‌پارده، علی. (۱۳۹۳). نقش سبک‌های فرزندپروری و منبع کنترل والدین در پیش‌بینی افسردگی فرزندان، اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده، اهواز، انجمن علمی روانشناسی خانواده ایران، دانشگاه شهید چمران اهواز، نمایه شده در سیویلیکا.
- Bourdieu, P. *Le sens pratique*, Paris, Les éditions de Minuits, 1989.
- Bernecker, S.L. Constantino, M.J. Atkinson, L.R. Bagby, R.M. Ravitz, P. McBride, C. Attachment style as a moderating influence on the efficacy of cognitive-behavioral and interpersonal psychotherapy for depression: a failure to replicate. *Psychotherapy*, 2016. 53(1):22-33.
- Garrett, T. Kevin, Sh. Parenting and Depression: Differences across Parental Roles, *Journal of Family*, 2015, Issues 36(8):1001-1021.
- Priceputu, M. Attachment style - from theory to the integrative intervention in anxious and depressive symptomatology, *Journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2012. Volume 33, Pages 934-938.
- Psychogiou, L. Legge, K. Parry, E. Mann, J. Nath, S. Ford, T. Kuyken, W. Self-Compassion and Parenting in Mothers and Fathers with Depression, *Mindfulness*, 2016, 5(4): 45-59.
- Wilson, S. Durbin, C.E. Effects of paternal depression on fathers parenting behaviors: a meta-analytic review. *Clinical Psychology Review*, 2010, 30, 167-180.
- Zhong, X. Daxing, W. Xueqing, N. Jie, X. Mulei, L. Feng, L. Haikel, A. Ee-Heok, K, Rathi, M. Parenting style, resilience and mental health of community-dwelling elderly adults in China, *Journal of BMC Geriatrics*, 2016, 16:135.